زیرا هر که بخواهد جان خود را خلاصی دهد آن را هلاک سازد و هر کس جان خود را به‌جهت من تلف کرد، آن را نجات خواهد داد. لوقا ۹: ۲۴

به خاطر تو

یکی از شعرای قدیمی مسیحی، شعری پرستشی درباره این ایده سروده است، به این مضمون که هرکس می‌تواند تنها با سه کلمه ساده، هر کار و وظیفه معمولی زندگی‌اش را به قربانی قابل قبولی برای خداوند تبدیل کند. این کلمات بدین شرح هستند: «... به خاطر تو...».

این ایده آن‌قدر ساده و پیش‌پاافتاده است که به نظر درست نمی‌آید ولی کلام خداوند به همراه تجارب ایمانداران تاکید می‌کنند که این، راهِ پاکسازی و قدوسیت است. عبارتِ «به خاطر تو»، چیزهای اندک، تهی و ناچیز را از بطالت و بیهودگی خارج کرده، به آن‌ها معنا و مفهومی ابدی می‌بخشد. بی‌ارزش‌ترین و کوچک‌ترین کارهای عادی روزانه ما با این سه کلمه، به بالاترین سطح ممکن منتقل می‌شوند و در مسیر خداوند قرار می‌گیرند. در این شرایط یک‌نواختی زندگی‌های روزانه ما، کیفیت یک پرستش عمیق را به خود می‌گیرند و صدها کار کسل‌کننده و رنج‌آور که وظیفه و مسئولیت ما هستند تبدیل به هدایا و قربانی‌هایی مورد قبول خداوند می‌شوند.

اگر هدایایی که به خداوند تقدیم می‌شوند در نام مسیح تقدیم شده باشند، هر چه باشند در نظر خداوند کوچک نخواهند بود. در مقابل، هر هدیه‌ای که به هر دلیلی به جز عیسای مسیح به خداوند تقدیم شده باشد، هر چه باشد در نظر خداوند بزرگ نخواهد بود. اگر نمی‌توانیم به‌خاطر مسیح جان خود را بدهیم، پس برای او زندگی کنیم. گاهی اوقات انجام دادن این کار بسیار قهرمانانه خواهد بود و پاداشی عظیم به همراه خواهد داشت.

«به خاطر تو!». این‌ها کلمات معجزه‌آسایی هستند که هرگاه در قلب و بر زبان شخصی یافت شوند، آب را به شراب و هر فلزی را به طلا تبدیل خواهند کرد.

## ای خداوند، امروز هر مسئولیت و کاری که به من واگذار شده است را به خاطر تو انجام می‌دهم تا هدیه‌ای نیکو برای تو باشد. کمکم کن که با شادی این را انجام دهم

*برگرفته از آثار W. A. Tozer*